

خانه را جهنم نکنیم!



استاد حوزه و کارشناس مذهبی
حجت الاسلام والمسلمین محمدباقر مشکاتیان

بداخلاقی در محیط خانه، آنجا که قرار است پناهگاه آرامش و امنیت اعضای خانواده باشد، می تواند آسیب های جدی به روابط خانوادگی وارد کند. این رفتار که اغلب از سوی والدین، یکی از پدر یا مادر یا سایر اعضای خانواده بروز می کند، می تواند فضای خانه را مسموم و به تدریج روابط را تیره و تار و نامطلوب کند.

در آموزه های دینی و مذهبی از بداخلاقی در همه احوال به ویژه در خانه، پرهیز بسیاری داده شده و بر خوش خلقی و گفتار محبت آمیز سفارش زیادی شده است. پیامبر اکرم (ص) به عنوان الگوی کامل بشریت، همواره بر اهمیت روابط انسانی و به ویژه روابط خانوادگی تأکید فراوان می کردند. یکی از توصیه های مهم ایشان به همسران، پرهیز از بدزبانی و استفاده از کلمات محبت آمیز در گفت و گو یا یکدیگر است: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِمَرْأَةِ اِثْمٍ اَجْبَدُ لَازِمًا مِنْ قَلْبِهَا اَبَدًا»، گفتار مرد به زن که من تو را دوست دارم، هرگز از قلب او بیرون نمی رود. این حدیث شریف از پیامبر اکرم (ص) بیانگر اهمیت بسیار زیاد کلمات محبت آمیز در زندگی مشترک است؛ به این معنا که وقتی مردی به همسر خود ابراز علاقه می کند و می گوید «دوستت دارم»، این کلمات در قلب زن جای می گیرد و تأثیر عمیقی بر او می گذارد، لذا این جمله ساده اما عاطفی و تأثیرگذار، می تواند به تقویت پیوند عاطفی میان زوجین و ایجاد فضایی پر از محبت و آرامش در خانه و خانواده کمک کند.

● دلایل فردی بداخلاقی در خانواده

مشکلات مالی، مشکلات کاری، بیماری، طلاق و سایر استرس های زندگی، می تواند تحمل افراد را کاهش دهد و باعث بروز رفتارهای پر خاشاکانه و بداخلاقی شود. کمبود مهارت های اجتماعی و ناتوانی در مدیریت احساسات، همچنین کمبود مهارت بیان مناسب خواسته ها و حل تعارضات، می تواند منجر به بداخلاقی در فضای خانه شود. ناگفته نماند که مصرف مواد مخدر و الکی نیز می تواند باعث تغییر مزاج افراد، اختلال در قضاوت، کاهش کنترل بر رفتار و افزایش پر خاشاکگری و بروز بداخلاقی شود. همچنین اختلالاتی مانند اختلال دوقطبی، اختلال شخصیت ضد اجتماعی، نوسانات خلقی شدید، پر خاشاکگری و رفتارهای پیش بینی ناپذیر از جمله دلایل فردی بداخلاقی در خانه است.

● دلایل خانوادگی

ارتباطات ضعیف یا نبود ارتباط مؤثر و صمیمانه بین اعضای خانواده، گوش ندادن فعال و ناتوانی در حل تعارضات، به بروز بداخلاقی منجر می شود. وجود تفاوت های شخصیتی در بین اعضای خانواده، مثل تفاوت در شخصیت، ارزش ها و باورها می تواند باعث ایجاد تنش و درگیری و بداخلاقی در خانواده شود.

● دلایل محیطی

محیط کار پرتنش هم باعث می شود افراد، خستگی و عصبانیت خود را با بداخلاقی در محیط خانه تخلیه کنند. مشکلات اجتماعی مانند تبعیض فقر و بی عدالتی می تواند باعث ایجاد استرس و فشار روانی شده، در نتیجه به بروز رفتارهای پر خاشاکانه و بداخلاقی در یک خانواده منجر شود.

اشارت

اخلاقی، اجتماعی باشیم

ریحانه عامل نیک! اینکه انسان نمی تواند تنها زندگی کند و اساسا بودن با دیگران و حیات اجتماعی، به مراتب برایش از تنهایی و خلوت جذاب تر است. دیگر نیاز به تأیید و اثبات ندارد، اگر چه هر یک از ما در مواقعی برخی شرایط، تنهایی را بر بودن در جمع و ارتباط با دیگران ترجیح می دهیم اما این، علاقه مندی فطری ما به حیات اجتماعی را نقض نمی کند و نمی تواند منکر آن شود. خوب وقتی می پذیریم که زندگی اجتماعی مثل هوا برای ما ضروری است، پس باید، باید ها و قوانین آن را هم قبول کنیم.

از مهم ترین قوانین تعاملات اجتماعی و ارتباط با دیگران، اخلاق است، واژه ای که از نظر معنا و کاربرد و اعمال، حکم اقیانوس را دارد اما اگر منطقی و اهل استفاده باشیم، به اندازه لازم از آن بهره می بریم.

رعایت اخلاق اجتماعی در جامعه دینی از آنجا ضروری تر است که اغلب گناهان و رفتارهای خطای ما مربوط به اجتماع است و در مقابل، بیشتر فضیلت ها و ثواب ها و ویژگی های خوب هم در بستر اجتماع است که رخ می دهد؛ برای همین هم است که آیات و روایات، آموزه های متعددی را برای آراسته شدن به این اخلاق و کاربردش در زندگی، تأکید و توصیه می کنند؛ برای نمونه خدا در قرآن می فرماید: «وَلَا تَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا، غیبت نکنید» (احجرات، ۱۲) و مختصر و مفید، یک اصل مهم از مناسبات اجتماعی را به ما یادآوری می کند، چون غیبت هم خود ما را دل چرکین و هم مخاطبان ما را دل چرکین می کند و تکرار این چرخه، روابط اجتماعی ما را از نظم خارج خواهد کرد.

از دیگر توصیه های دین به اخلاق اجتماعی، حسن خلق و اخلاق نیکوست که از آن به صدقه تعبیر می شود؛ صدقه ای بی هزینه اما اثرگذار که قلب ها را بر هم نرم و رؤف می کند و مانع کینه و اختلاف می شود. این اصل در اخلاق اجتماعی به قدری مهم است که قرآن به پیامبر (ص) می فرماید: «و اگر سنگدل و خشن بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می شدند» (آل عمران، ۱۵۹)، یعنی اگر می خواهیم ارتباطات اجتماعی قوی و پایدار داشته باشیم و تنها نمانیم، باید مهربان، خوش اخلاق و آرام باشیم.

اخلاق اجتماعی به این ها ختم نمی شود و بی نهایت شاخ و برگ دارد؛ مثل دیگرخواهی و دیگران را به خود ترجیح دادن، اصلی مهم که شاید روان شناسی وارداتی و زرد در تلاش است آن را به چالش بکشد و کم رنگ کند اما بحران هایی مثل کرونا ثابت کرد اگر دیگرخواهی، روحیه تعاون و همدلی نباشد، ما محکوم به شکست و حتی مرگ هستیم؛ برای همین هم حیات بابرکت معصومان (ع) ما تماما معنای این خصیصه است. بهترین جلوه اخلاق اجتماعی در ترجیح دادن دیگران به خود را، می توان در دعاهای حضرت زهرا (ص) مرضیه (ص) پیدا کرد؛ آنجا که امام حسن (ع) در پاسخ به این سؤال که «مادر [چرا] شما در حال دعا و تضرع فقط برای دیگران دعا کردید؟» جواب می شوند: «یا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الْدَّارِ، اول همسایه، بعد خودمان» و این چنین، دیگرخواهی و نوع دوستی را برای ما به میراث می گذارند.

از دیگر مؤلفه های مهم اخلاق اجتماعی، خیرخواهی است؛ اصلی مهم که در مقابل حسادت قرار دارد و برخلاف آن، می تواند بهشتی زمینی را رقم بزند. بدون خیرخواهی نمی توان انتظار داشت جامعه و افرادش رشد کنند و مسیر حرکتشان رو به جلو باشد؛ چون وقتی خیرخواهی نباشد، ما از کمک کردن به دیگران در رسیدن به اهدافشان یا گره گشایی از آن ها کوتاهی می کنیم که استمرار و غلبه این فضا هم سبب عقب گرد ما می شود و بدبینی و کینه می آورد. این مؤلفه در اخلاق اجتماعی به قدری مهم است که پیامبر (ص) نداشتن خیرخواهی درباره دیگران را خیانت به خدا و خود تعبیر کرده اند.

شاید به وقت مرور و خواندن، رعایت این اخلاقیات در عمل آسان به نظر بیاید و فکر کنیم انجام این ها که کاری ندارد اما به وقت عمل است که اگر متعهد و ملزم به رعایشان بودیم، می توانیم ادعای اخلاق اجتماعی را داشته باشیم؛ وگرنه به مرور نه تنها روابطمان آسیب می بیند و خودمان هم منزوی می شویم، بلکه جامعه را هم دچار ضعف روابط انسانی می کنیم، پس خوب است اخلاقی اجتماعی باشیم.

حلال و بابرکت معامله کنیم

آمنه مستقیم! اسلام به عنوان دین خاتم و با داعیه نجات و سعادت بشر و چشاندن طعم شیرین حیات طیبه به انسان، با احکام تکلیفی واجب و حرام، مستحب و مکروه و مباح در تلاش است تا راه صحیح را پیش پای ما بگذارد و رفتار صحیح در عرصه های مختلف را یادمان بدهد. از جمله زمینه های مورد تأکید اسلام که برای آن باید ها و نبایدهایی دارد و به آن توصیه می کند، احکام مربوط به معامله است که در ادامه برخی از آن ها را مرور می کنیم.

احکام معامله را یاد بگیرید

خرید و فروش که در اصطلاح فقهی به آن «بیع» گفته می شود، از مهم ترین و متداول ترین قراردادهای اقتصادی میان مردم است و نقش بسیار مهمی در روابط اجتماعی دارد. این عمل هم مانند فعالیت های دیگر باید در محدوده مقررات اسلام باشد؛ بنابراین یادگیری احکام آن پیش شرط دادوستد صحیح است. امیرالمؤمنین (ع) به مردی که در پی کسب و کار بود، فرمودند: آیا از احکام دینی خود اطلاع داری؟ مرد گفت: پس از کار، چنین خواهیم کرد. حضرت فرمودند: وای به حالت! نخست احکام (خرید و فروش) را بیاموز، سپس به تجارت بپرداز؛ زیرا هر کس خرید و فروش کند و از حلال و حرام آن نپرسد، مکرر در (آلودگی) ربای فرومی رود. (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۳)

خرید و فروش های حرام

بنا بر احکام اسلام، خرید و فروش چیزهای نجس مانند شراب و ملحقات آن، مردار و خون و خوک و سگ حرام است، مگر اینکه منعت معتنابه حلالی داشته باشد، مانند مدفوع نجس برای کود درخت و سگ برای شکار. همچنین، خرید و فروش آلات لهو مثل دف و نی و امثال آن و بت و صلیب و شطرنج و فروختن سلاح به دشمنان دین، خرید و فروش ربوی و وام ربوی و هر معامله ربوی چون اعلان جنگ با خداست. برکت ندارد و افزایش ظاهری آن بلای جان رباخوار می شود. (بقره، ۲۲۸، آل عمران، ۱۳۰، نسا، ۱۶۱)

اندازه را مشخص کنید

از دیگر شرایط صحت معامله آن است که مقدار و اندازه کالا و بها از حیث شمارش و وزن و کیل و متر از و دیگر اندازه ها نزد دوطرف معامله معلوم باشد، مگر اینکه کالا یا بها از چیزهایی باشد که به دیدن مشخص باشد، مثل باغ و مانند آن که باید پیش از معامله مشاهده شود. همچنین، از دیگر احکام و آداب تجارت آن است که کالا همان طور که هست، معرفی شود و اگر عیبی دارد، بیان شود. (کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، ح ۲)

آدابی که به معامله برکت می دهد

آگاهی کامل از احکام شرعی خرید و فروش، مشتریان و مراجعان را به یک چشم نگریستن، پذیرفتن پشیمانی در معامله، بیان عیوب کالا، فریب ندادن مشتری، آسان گرفتن و سخت گیری نکردن در معامله و در بها، تغییر ندادن ترازو و پیمان، مدح نگفتن کالای خودمان و تحقیر نکردن کالای دیگری، دریافت نکردن سود بیش از حد و اندازه، دخالت نکردن در معامله با برادر دینی، پرهیز از احتکار و نفروختن کالا بر مبنای خرید (بگوید؛ این کالا را فلان درصد بیشتر یا کمتر از خرید آن می فروشم) از دیگر آداب و مستحباتی است که به معاملات ما برکت می دهد.

اقسام معامله در اسلام

«معاملات» در فقه اسلامی به چهار قسم تقسیم می شوند؛ معامله حرام مانند تقلب، تدلیس و غش در معامله؛ معامله واجب مانند همه فعالیت های اقتصادی که نظام و قوام جامعه اسلامی بر آن متوقف است؛ معامله مستحب مثلا اگر فروشنده ای جنس را به مشتری فروخت و همه خیارات معامله را اسقاط کرد، ولی بعد مشتری یا خریدار پشیمان شد و درخواست فسخ معامله را کرد، برهم زدن معامله کار مستحب و شایسته ای است و معامله مکروه مانند ورود به معامله شخصی دیگر که شایسته نیست.

قسم، برکت معامله را می برد

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «هر که می خواهد تجارت کند، باید با مسائل دینیش آشنا شود تا حلال و حرام را از هم باز شناسد و کسی که قبل از فراگیری احکام دینش دادوستد کند، در کارهای شبهه ناک غوطه ور خواهد شد. (احکام اسلامی، ص ۱۵۹)» سوگند خوردن در هر کاری از جمله معامله مکروه است و انسان نباید برای هر چیزی سوگند بخورد. از امام کاظم (ع) روایت است که فرمودند: «کسی که هنگام خرید و فروش همواره قسم می خورد، خداوند در قیامت نظر رحمت به او نمی کند. (کافی، ج ۵، ص ۱۶۲، ح ۳)» حضرت علی (ع) نیز فرموده اند: «در معاملات قسم نخورید، زیرا هر چند کالا را به فروش می رساند، برکتش را می برد.»

دو طرف معامله عاقل و بالغ باشند

خرید و فروش اگر معاطاتی (دادوستد عملی) نباشد، باید به لفظی صریح دال بر نقل مال از مالک اول به مالک دوم ادا شود. دیگر آنکه، دوطرف معامله باید عاقل، بالغ و مختار باشند. کالا و بها، ملک آن دو باشد و باید کالا و بها قابل تملک باشد. به علاوه، ملک آزاد آن ها باشد. بنابراین فروختن عین موقوفه به جز در موارد خاص و همچنین چیزی که در گرو باشد یا مال آن کس که حاکم او را ممنوع التصرف در مال خود کرده است، صحیح نیست.

روشنا

پیامبر اکرم (ص)؛ خداوند کمک به اندوهگین و یاری خواه را دوست دارد.

پیامبر اکرم (ص)؛ ... وَإِنْ حِبُّبُ إِعَانَةِ الْاَلْهَفَانِ (الکافی، ج ۴، ص ۲۷).

ز گهواره تا گور دانش بجوی!

دیدگاه معصومین (ع) درباره اهمیت درس خواندن و کسب علم

صرفارایش یک برگه گزارش بود، گزارشی از آنچه در طول ترم یاد گرفته بود و حالا می توانست در زندگی به آن ها امید ببندد؛ برای همین، هیچ وقت سراغ تقلب و راه های عجیب برای کسب نمره نمی رفت. شب امتحانی هم نبود. خلاف همه که در شب امتحان خودشان را می کشند و تا صبح بیدار بودند. او مروری ساده می کرد و می خوابید و صبح بانشاط سر جلسه امتحان می رفت.

شنیدنی

نیلوفر نویدی! سر کلاس معمولاریدف های اول می نشست. می گفت آخر کلاس حواسم پرت می شود و درس را نمی فهمم. عادتش این بود که هنوز از کلاس بیرون نیامده، هر طوری که هست، درس را بفهمد تا آخر ترم دنبال کلاس خصوصی و جزوه و این طور چیزها نگیرد؛ برای همین، گاهی حتی دوستانش مسخره اش می کردند اما او معتقد بود که هدف از خواندن، یادگیری علم و به کار بردن آن در زندگی و کار مدنظرش است. وقتی هدف ارزش داشته باشد، هیچ چیزی نمی تواند مانع رسیدن به آن شود. حتی مسخره شدن در بین جمع های دوستانه. نمره و کارنامه و ردیف کردن تعدادی نمره خوب پشت سر هم، برایش ارزشی نداشت. کارنامه

احکام

آیت! ... العظمی خامنه ای؛ اگر خون جهنده ندارد، پاک است و تشخیص موضوع به عهده مکلف است.

آیت! ... العظمی سیستانی؛ پاک است.

آیت! ... العظمی مکارم شبرازی؛ فضل لاکپشت پاک است هر چند احتیاط آن است که از آن اجتناب کنند، ولی بول آن نجس است.

آیت! ... العظمی صافی گلپایگانی؛ فضل حیواناتی که خون جهنده ندارند پاک است.

حکم مطهرات

پیرشش؛ دخترم در منزل از لاک پشت نگهداری می کند. مدفوع و فضل لاک پشت چه حکمی دارد؟